



مژده حضرت مريم در شهر دمشق

شمایل حضرت مريم در صوفانيه
روغن مقدس تراوش می کند

فهرست

مقدمه مترجم	۵
پیشگفتار	۷
شمایل مریم صوفانیه	۹
شمایل حضرت مریم در صوفانیه روغن مقدس تراوش می کند	۱۳
پیامهای خداوند در خلال ظهورها و غیابها به میرنا می رسید ...	۳۰
پیامهای غیابها در سال «۱۹۸۳»	۳۲
پیامهای غیابها در سال «۱۹۸۴»	۳۳
پیامهای غیابها در سال «۱۹۸۵»	۳۴
پیامهای غیابها در سال «۱۹۸۶»	۳۶
پیامهای غیابها در سال «۱۹۸۷»	۳۷
پیامهای غیابها در سال «۱۹۸۸»	۳۹
پیامهای غیابها در سال «۱۹۸۹»	۴۱
پیامهای غیابها در سال «۱۹۹۰»	۴۲

پدر روحانی آشنا شدم و در این جا جا دارد از ایشان صمیمانه تشکر کنم زیرا با بردباری زیاد در این مدت مرا تحمل نموده و در مشکلات یاری ام می داد. از طریق ایشان با ایمانداران دیگری آشنا شدم. و سرانجام در ۲۶ آوریل سال ۱۹۹۷ به یاری خداوند غسل تعمید گرفتم. این روز را هرگز فراموش نخواهم کرد زیرا مسیر زندگی مرا به کلی تغییر داد. خدا را سپاس می گویم که راه صحیح زندگی کردن را پیش روی من نهاد.

در این سالها با کمک یکی از خواهران ایماندار برای اولین بار با صوفانیه آشنا شدم. به راستی روز ۲۶ نوامبر برای من روزی به یادماندنی بود زیرا برای اولین بار بود که یک معجزه را با چشم خود می دیدم و تا چند روز احساس غریبی داشتم ولی همواره شاد بودم. بعد تصمیم گرفتم در این باره بیشتر تحقیق کنم و فهمیدم که حدود ۱۷ سال قبل دختری به نام ماری (میرنا) مریم باکره را به چشم دیده و این مسئله بارها برای وی تکرار شده. ابتدا با ناباوری خانواده خود مواجه گردیده و حتی مورد تمسخر ایشان نیز واقع گردیده تا اینکه سرانجام خانواده وی نیز بعد از مدتی به صحت گفته های وی پی بردند و از آن روز تا کنون همواره معجزاتی در این خانه مقدس که صوفانیه نام گرفته به وقوع می پیوندد.

این ماجرا به صورت کتابی چاپ شده و در اختیار علاقمندان قرار دارد. طبعاً این کتاب به زبان عربی نوشته شده بود که بعداً به زبانهای فرانسه و انگلیسی نیز ترجمه شد. در آخر کتاب نوشته شده بود از کسانی که به زبانهای دیگر آشنایی دارند تقاضا می شود در صورت امکان این کتاب را ترجمه کرده به چاپ رسانند. در همان وقت تصمیم گرفتم به محض بازگشت به ایران به ترجمه آن به زبان فارسی اقدام نمایم.

امیدوارم مطالعه این کتاب نور ایمان در قلبهای شما روشن سازد و بیشتر در این باره ببینید.

فیض خداوند با شما باد.

مقدمه مترجم

مرسوم است که مقدمه کتابها را با کلمات پرزرق و برق و گیرا آغاز می کنند تا خوانندگان بیشتری را جذب کنند اما من در این جا از کلماتی ساده و تا حد ممکن رسا استفاده کرده ام زیرا بر این عقیده هستم که: «کلامی که از دل برآید بر دل نشیند».

قبل از هرچیز به معرفی کوتاهی درباره خودم می پردازم. من در سال ۱۳۴۹ در تهران متولد شدم، تحصیلات ابتدایی و سپس راهنمایی را در این شهر گذراندم اما به علت یک سری مشکلات مجبور به ترک تحصیل شدم. با علاقه ای که به هنر نقاشی داشتم با تلاشی پی گیر به این رشته روی آوردم و به یاری خداوند توانستم موفقیتی در این رشته کسب نمایم. در سال ۱۳۶۸ به خدمت سربازی رفتم و در آنجا برای اولین بار با انجیل آشنا شده و به مطالعه آن پرداختم. ولی بعد از پایان خدمت متأسفانه برای مدتی امکان مطالعه نداشتم تا اینکه در سال ۱۳۷۳ به خاطر ادامه کار در رشته نقاشی به سوریه سفر کردم و تا سال ۱۳۷۸ که در سوریه بودم با خانواده ای ایرانی آشنا شدم که بعدها فهمیدم ایشان نیز مسیحی هستند. توسط این خانواده به کتاب مقدس دسترسی یافتم، و باردیگر شوق مطالعه و تحقیق در من بیدار شد.

در فرصت هایی که به دیدار این خانواده می رفتم در مورد آن قسمت از کلام که خوانده بودم و سؤالاتی که برایم پیش آمده بود به بحث می نشستیم. به هر حال بعد از ۲ سال آن خانواده سوریه را به مقصد کانادا ترک کردند و احساس تنهایی شدیدی به من دست داد. در این رابطه دوست دیگری نیز داشتم که او هم مجرد بود. ما روزها کار می کردیم و شبها کتاب مقدس می خواندیم و درباره مطالبی که خوانده بودیم با هم بحث می کردیم. تا اینکه بالأخره با یک

پیشگفتار

عیسی مسیح به شاگردان فرمود: «در هر وقت دعا کرده بیدار باشید تا شایسته آن شوید که از جمیع این چیزهایی که به وقوع خواهد پیوست نجات یابید و در حضور پسر انسان بایستید». در برابر این فرمان خداوند ما عیسی مسیح، مسیحیان از همان ابتدا کوشیدند نه اینکه شبها به هنگام فراغت از کار دعای مختصری بکنند، بلکه دائم در دعا بمانند. در اطاعت از این فرمان است که راهبان و راهبه‌ها بیشتر اوقات در سکوت و دعا به سر می‌برند. و کلیسا نیز به همه مسیحیان پیشنهاد می‌کند که هم از کتاب مقدس، مخصوصاً مزامیر و انجیل، و هم از وسائلی مانند تسبیح برای بیشتر دعا کردن استفاده کنند.

در بخش اول این کتاب سعی نموده‌ایم که با استفاده از شمایل «باکره نشانه» و تشریح آن، معنی شریک شدن در استغاثه خود با عیسی و مادرش را باز نماییم و ببینیم که در کلیسای شرق چگونه از تسبیح صد دانه در این جهت استفاده کرده‌اند.

بخش دوم در مورد طرز استفاده از تسبیح در رابطه با حضور دائم مسیح در قلب ماست.

در بخش سوم در مورد تعمق امروزه بر رازهای مهم نجات با استفاده از انجیل و تسبیح همراه با حضرت مریم صحبت شده، و بخش آخر یا چهارم در مورد چگونگی استفاده از تسبیح در دعا کردن طبق روش راهبه قدیس «الیزابت تثلیث» می‌باشد.



دید و توسط مکاشفه الهی تصویری از زیبایی او که خداوند به طریقی اعجاز انگیز به او نشان داد، ترسیم نمود. لازم به ذکر است که در این شمایل نیز مانند بسیاری از شمایل‌های شرقی و برخلاف برخی تمثال‌های نوینی که در غرب رواج یافته است، مریم هرگز تنها دیده نمی شود بلکه همیشه در ارتباط با شخصیتی دیگر است، خواه با پسرش از عید میلاد تا پای صلیب، خواه با روح القدس در هنگام بشارت ولادت، و خواه با قوم خدا در عهدعتیق و یا با ایصابات، یا کلیسا در پنطیکاست. این امر کاملاً با انجیل مطابقت دارد زیرا در انجیل هرگز مریم که شخصیتی تودار بود به تنهایی ظاهر نشده است.

* * *

حال که جزییات این شمایل را بررسی کردیم، کمی به عقب برگردیم و آن را در پرتو راز نجات خود بررسی کنیم.

کلام خدا مریم را کاملاً باکره می نمایاند که به نیروی روح بارور گردیده است (لو ۱: ۳۴-۳۵).

او مادر مسیح شده، کلام خدا، یگانه نجات دهنده ما، ولی همچنین مادر شاگردان که عیسی دوستشان می داشت (یو ۱۹: ۲۶).

و در نتیجه مادری پرملاطفت نسبت به آنانی که پذیرای وی بودند (یو ۱۹: ۲۷).

او که در نزد منجی ما برای ما شفاعت می کند و نیازهای ما را به او یادآوری می نماید، درست همان گونه که در مراسم عروسی قانا انجام داد (یو ۲: ۳)،

او که همراه با شاگردان به انتظار نزول روح باقی ماند (اع ۱: ۱۴)،

به خاطر آن شادی عروسی عهدنویین و جاودانی.

شمایل مریم صوفانیه

به گفته حزقیال نبی (باب ۱ و ۱۰) «این موجودات که کروی نیز نامیده می شوند هنگامی که جلال خدا معبد را برای رفتن به سوی تبعیدشدگان ترک می کرد، ارا به یهوه را به دنبال می کشیدند: «و جلال خداوند از بالای آستانه خانه بیرون آمد و برزیر کروبیان قرار گرفت و چون کروبیان بیرون رفتند بالهای خود را برافراشته به نظر من از زمین صعود نمودند و چرخها پیش روی ایشان بود و نزد دهنه دروازه شرقی خانه خداوند ایستادند و جلال خدای اسرائیل از طرف بالا برایشان قرار گرفت» (اش ۱۰: ۱۸-۱۹).

پیشتر، در خیمه عهد که خدا شکل آن را بر موسی آشکار نموده بود و در آن موسی درست مانند کوه سینا می توانست با خدا ملاقات کند، کروبیان اطراف صندوقچه عهد را، که مسکن جلال خدا در میان قوم خودش بود، احاطه کرده بودند: «و دو کروی از طلا بساز، آنها را از چرخکاری از هر دو طرف تخت رحمت بساز (...). و در آنجا با تو ملاقات خواهم کرد و از بالای تخت رحمت از میان دو کروی که بر تابوت شهادت می باشند با تو سخن خواهم گفت درباره همه اموری که به جهت بنی اسرائیل تو را امر خواهم فرمود» (خروج ۲۵: ۱۸ و ۲۲).

با این روش نمادین شمایل حاضر الهیات مریمی را گسترش می دهد. مریم همان تابوت حقیقی عهد نوین است که حامل و نشان دهنده جلال یهوه و حضور او در میان قوم خودش می باشد، محل ملاقات ما با عیسی، پسر یگانه خدا، یگانه آشکار کننده پدر.

در این هنگام است که مفهوم دعای عصر سه شنبه در آیین نیایش سریانی را بهتر درک می کنیم: حزقیال، پیامبر در تبعید، با چشمان نبوت، دختر داود را

«در تو ما هر روزه پناه می گیریم، ای مادر خدا، در نیایش تو همانند قلعه ای بلند ما پناه می یابیم، نیایش نما و از یکتا پسرت تمنا کن که صلح و آرامش خود را در چهار گوشه جهان قرار دهد». (نیایش عصر سه شنبه).

«ای خداوند همگان، مریم برای تو آسمان دوم بود و تو در او در قدوسیت ساکن شدی و از او در جهان پدیدار گشتی. هنگامی که بر صلیب درد و رنج را متحمل می شدی تو او را در اعتماد به شاگرد خود دادی توسط نیایش های مادر تو، از تو تمنا داریم ای نجات دهنده ما، که صلح و آرامش خود را در چهار گوشه جهان برقرار سازی».

«توسط تو شرارت اولین مادر ما ریشه کن شد. توسط تو ما نجات را به دست آورده ایم، باشد که نیایش تو ما را یاری کند». (نیایش شبانه)

و او ما را می نگرد و دعوت می کند تا در راز او سهیم شویم. مریم این گونه بود و در واقع قوم خدا چنین بود، کلیسا در امید پری اخروی خود: کلیسا کاملاً از هر بتی پاک شده؛

کلیسای بارور از روح القدس و راز تعمید؛ کلیسا مادر ایمانداران، در آن بطن باکره که جایگاه تعمید است؛ کلیسا که عمانوئیل را به جهان می نمایاند

و شهادتی است از حضور آن پسر که برکت می دهد؛ کلیسا که در شفاعت یگانه کاهن اعظم ما شرکت می جوید، یعنی عیسی که همیشه در نزد پدر زنده است و بی وقفه دعا می کند تا پدر روح القدس خود را بفرستد (یو ۱۴:۱۶؛ عبر ۲۵).

پس باکره نشانه نه تنها ما را به مریم مادر خدا و شمایل آخرتی کلیسا ارجاع می دهد، بلکه به کلیسای امروزی ما که در حال طی طریق است. همراه با او و در دعایی مداوم ما «کارهای عظیمی که خداوند برای او کرده» را نظاره می نماییم (لو ۱:۴۹). با او در کلیسا در شفاعت یگانه عیسی مسیح شرکت می کنیم تا امروز روح القدس بر روی دنیای ما نازل شود و دردهای زه را در آن به پایان برساند.

در مورد شفاعت باکره، دعاهاى زیر که از مراسم آیین نیایش سریانی اقتباس شده اند ما را در نیایش یاری خواهند داد: «ای باکره مقدس، مادری که به خداوند ولادت دادی، از یکتا پسر مولودت تقاضا کن، باشد که او بر همگی ما ترحم فرماید».

«باکره که قادر به حمل آن قدرت مخفی بود که خود زمین و آسمان را حمل می کند، اینک با نیایش های خود به خاطر گناهکاران که او را با ایمان می خوانند، شفاعت می نماید، هملویا، باشد که نیایش های او با ما باشد» (نیایش عصر دوشنبه).

۱) استمرار واقعه

این امر باعث بروز: الف- ظهور روغن مقدس ، ب- حضور مردم از سراسر دنیا برای برپایی نماز، گردید.

الف: ظهور روغن مقدس

روز ۲۲ نوامبر سال ۱۹۸۲ هنگامی که میرنا به همراه چند تن از خانمهای خانواده بر بالین خواهر شوهر بیمارش به نماز ایستاده بود، روغن بر روی دستهایش ظاهر شد و این امر طبعاً برای او و حاضرین غیر منتظره بود. این واقعه بار دیگر، وقتی در روز ۲۵ همان ماه بر بالین مادر مریضش مشغول دعا بود تکرار شد، با وجود این که در هر دو مورد وقتی میرنا مریض را با همان روغن ماساژ می داد دردها از بین رفت و آن بیماران شفا یافتند اما این امر همچنان از طرف خانواده میرنا و خانواده همسرش به مسخره گرفته می شد.

در یکی از روزها که میرنا مشغول نماز بود بار دیگر از شمایل مذکور روغن شروع به تراوش کرد. انتشار این خبر باعث جلب مردم به آنجا شد. پولس بندلی، رهبر مسیحیان ارتدکس سوریه، و دو نفر از کاهنان همراهش جزئی اولین افرادی بودند که از این خانه دیدن کردند. بعد ها نیز از همه نقاط جهان اشخاصی در جلوی این تصویر به نماز ایستادند. از آن تاریخ تا کنون درب این خانه بر روی همگان باز است و تا امروز که ۱۷ سال از آن ماجرا گذشته همه روزه افراد زیادی به این منزل می آیند و جلوی آن شمایل به نماز و راز و نیاز با معبود خود می پردازند. این حقیر نیز در مدت اقامت در دمشق در هر فرصتی سری به آنجا می زدم. از این عکس نسخه های زیادی تهیه شد که به زائران هدیه می شود و اهالی آن منطقه نیز صدها نسخه از آن را دارند. جالب اینجاست که هروقت که روغن بر روی عکس اصلی ظاهر می شد در نسخه های دیگر نیز همین اتفاق رخ می داد. اهالی نام آن خیابان را تواضع گذاشتند و

صوفانیه

شمایل حضرت مریم در صوفانیه روغن مقدس تراوش

می کند

صوفانیه نام خیابانی در دمشق پایتخت سوریه است که در شمال این شهر، نزدیک به دروازه «باب توما» قرار دارد. در خانه ای در این خیابان خانم بیوه ای به نام «آلیس نظور» به همراه سه پسرش به نام های عوض و نقول، به همراه همسرانشان، و پسر سوم منیر که در آن زمان مجرد بود زندگی می کردند. صبح روز شنبه ۲۷ نوامبر سال ۱۹۸۲ میرنا، همسر ۱۸ ساله نقول با کمال تعجب مشاهده می کند که از شمایل کوچکی از حضرت مریم که مسیح را بر روی سینه دارد روغن تراوش می کند. خبر این واقعه بزودی در کشور سوریه و حتی در دنیا منتشر شد.

نتایج این حادثه

وقوع این گونه حوادث در مسیحیت تازگی ندارد اما در شرق رویدادی جدید است، از سه جهت:

۱) این معجزه مستمراً از آن روز تا کنون ادامه دارد.

۲) دارای چند بُعد است.

۳) بسیار سریع انتشار یافته است

در آن حالت همه احساس آرامش می کنند و برای نگاه های دیگران اهمیتی قائل نیستند. زیرا در حضور کسی ایستاده اند که او را مادر خود می دانند و همه انسانها در آغوش مادر احساس امنیت و آرامش دارند. این تنها جایی است که در آن ملیت یا دین مطرح نیست، مسیحی و غیر مسیحی در کنار یکدیگر می ایستند و هر یک نماز را آن طور که خود می خواهند برپا می کنند. این دعاها فقط مربوط به آنانی که در آن خانه حضور می یابند نمی شود بلکه تمام کسانی را که با صوفیانه (خانهٔ مریم عذرا) آشنایی دارند و همچنین تمام زائرین گذشته و دوستان از گوشه و کنار دنیا نیز شامل می گردد. همه روزه هزاران نامه تقاضای دعا به دست ما می رسد که مردم سفارش می کنند برای خود یا دوستانشان در جلوی تصویر مقدس دعا کرده شود، و نیز تقاضای دریافت یک نسخه از عکس و پنبهٔ آغشته به روغن را دارند.

۲) ابعاد این واقعه

روزی که برای اولین بار روغن مقدس از تصویر مریم عذراء تراوش کرد چه کسی انتظار آن را داشت؟ چه کسی فکر می کرد این حادثه تکرار شود؟ و چرا بعد از ۱۷ سال هنوز ادامه دارد؟ ما در مقابل یک واقعه دارای ابعادی مکمل یکدیگرند، قرار داریم.

بعد اول

تراوش روغن مقدس ابتدا از یک عکس و سپس از نسخه های دیگر آن در دمشق و خارج آن. که طبق گزارش های واصله تا به امروز نیز همچنان ادامه دارد.

دیگران هم آنجا را به نام صوفانیه می شناسند و شهرت آن به کشورهای مثل: لبنان، اردن، مصر، فرانسه، بلژیک، کانادا و آمریکا... نیز رسیده است ولی در ۲۸ اکتبر سال ۱۹۸۳ اتفاق تازه ای افتاد و آن این که در این روز علاوه بر دستها، از صورت و چشمهای میرنا نیز روغن تراوش کرد و او در یک حالت غیاب کلی از این عالم (خلسه) فرو رفت ولی بعد از مدتی دوباره به حالت عادی برگشت. این حالتها گاهی به سراغ او می آمد که ما اسم آن را غیابها می گذاریم زیرا او از این عالم غایب می شد و در یکی از این حالتها در روز ۳۱ ماه مه سال ۱۹۸۴، او بعد از به هوش آمدن اظهار کرد که عیسی مسیح را دیده است.

در اینجا این سؤال پیش می آید که آیا این روغن را آزمایش کرده اند یا خیر. بله. روغنی که از عکس به دست آمده بود ابتدا در سال ۱۹۸۵ به مرکز تحقیقات دردمشق و سپس به آلمان و بعد از آن به آزمایشگاه های پاریس و رم برای آزمایش ارسال گردید. اما روغن گرفته شده از چشم میرنا - توسط پدر ژان کلود داریکوی فرانسوی برای آزمایش به آلمان فرستاده شد بدون اینکه به منشأ آن اشاره شود. جوابها همگی یک نتیجه را در برداشتند:

«این روغن زیتون صد درصد خالص است».

معروف است که روغن زیتون در تاریخ شرق قدیم پر از راز است: راز نور، غذا، دوا، و راز سلام، جهاد، و شفای روحی، و در مسیحیت راز روح القدس است.

ب: ازدحام برای نماز

نماز در صوفانیه از ارکان اساسی بوده و هست. طبعاً خیلی ها به آنجا می روند. عده ای از روی کنجکاوی، عده ای برای تمسخر و بعضی از روی ایمان. ولی هرکس با هر نیتی که به آنجا رفته باشد در جلوی تصویر مقدس می ایستد و نماز می خوانند، در سکوت و یا با گریه - به هر حال شب و روز در آنجا نماز بریاست و همه جوانب را تحت الشعاع قرار می دهد.

و اما نقش میرنا در این ظهورات مانند نقش یک رسول بود که پیامهایی که از مریم عذرا دریافت نموده به ما انتقال می دهد. در ظهور دوم حاضرین مشاهده کردند که لبهای میرنا حرکت می کند اما وقتی گوش فرا دادند فقط صدای او را می شنیدند. در ظهور سوم میرنا گریه می کرد و فریاد می زد (عذرا می گرید) و حاضران صدایی نمی شنیدند و تنها کلمه ای که مریم عذرا به میرنا گفت این بود: «ناراحت نباش» و در همان شب به دستور کلیسای ارتدکس دمشق شمایل مقدس به این کلیسا منتقل شد.

بُعد چهارم

بعد چهارم درباره شفاى بیماران در صوفیانه است که به دو بخش شفای جسمی و شفای روحی که ما آن را آرامش روحی می نامیم تقسیم می شود. در این رابطه ما فقط چند مورد را ذکر می کنیم زیرا از تمام موارد اطلاع دقیقی در دست نیست و اگر بخواهیم به همه آنها پردازیم باید بخش بزرگی از این کتاب را به این موضوع اختصاص دهیم که متأسفانه ممکن نیست.

به هر حال شفای اول در خارج از خانه عذر اتفاق افتاد، در روز ۱۲ دسامبر ۱۹۸۲- و آقای سمیرحنا چهل ساله که مدتی قبل دچار سکته مغزی و به دنبال آن سکته قلبی، شده بودند و در فلج کامل به سر می بردند در وضعیتی که پزشکان از بهبود ایشان قطع امید کرده بودند، یکی از دوستان ایشان یک قطعه پنبه را که با روغن گرفته شده از عکس مریم عذرا تقدیس کرده بود داخل دهان ایشان قرار می دهد در همان لحظه ایشان چشم گشوده و از گریه کردن اطرافیان حیرت می کنند و از اطرافیان تقاضا می نمایند تا یک کشیش بیاورند و مراسم قربانی مقدس را انجام دهند. همچنین تقاضای دیدن میرنا را که تا آن لحظه ندیده بودند و حتی اسم او را هم نشنیده بودند، می کنند. اسم میرنا در غسل تعمید و شناسنامه ایشان ماری است و نام میرنا را فقط نزدیکان او می دانستند.

بُعد دوم

انتخاب میرنا به عنوان عروس پاک خداوند که مریم عذرا چندین بار پی در پی بر او ظاهر شد، که آغاز آن شب ۱۵ دسامبر ۱۹۸۲ بود. این انتخاب با مرور زمان و با وقوع حوادث بعدی تثبیت شد که مهمترین این حوادث غیابهایی بود که در آن مراحل میرنا ابتدا مریم عذرا و سپس عیسی مسیح را مشاهده کرد. همچنین آثار زخمهای صلیب به تدریج، از ۲۵ نوامبر ۱۹۸۳، بر بدن میرنا پدیدار شد. این انتخاب و وقوع حوادث در پی آن، نشان دهنده آن است که خداوند می خواهد ارزش و قیمت ازدواج را برای ما روشن سازد، زیرا در این زمان در شرق ازدواج ها مورد تهدید واقع شده و ازدواج، این پیوند مقدس، در غرب رو به منسوخ شدن دارد.

ما اگر مقدس بودن ازدواج را به یاد داشته باشیم، به علاقه بین زوجین و به ثمرات این علاقه (اطفال)، به ازدواج پای بند خواهیم بود. زیرا در این دوران به خاطر نظریه های نسل جدید در مورد ازدیاد جمعیت و تبلیغ آنها برای فرزند کمتر یا نداشتن فرزند، قربانی اصلی کودکان ما هستند.

بُعد سوم

بعد سوم ظهور مریم عذرا به میرنا در ۵ نوبت در تاریخ های: ۱۵ دسامبر ۱۹۸۲- ۱۸ دسامبر ۱۸۹۲- ۸ نوامبر ۱۹۸۳- ۲۱ فوریه ۱۹۸۳ و آخری بار ۲۴ مارس ۱۹۸۳ اتفاق افتاد. مریم عذرا در همه این ظهورها، به استثنای ظهور اول، با میرنا صحبت کرده بود زیرا در اولین ظهور میرنا وقتی چیزی مانند یک شبح که نوری از آن ساطع می شد و به او لبخند می زد مشاهده کرد وحشت زده پا به فرار گذاشت. در تاریخ شرق اولین بار است که مریم عذرا به عربی صحبت کرده و در ظهور دوم و آخر با الفاظ کتابی عربی، و در ظهور سوم و چهارم به زبان عربی عامیانه صحبت کرد.

شفای آقای محمد قهوه چی، ۶۰ ساله، مسلمان که از نصف بدن فلج بود. ایشان در شبی که به همراه خانم شمس حلبی که ایشان نیز از ناحیه دست چپ دچار فلج بودند به زیارت صوفانیه آمده بود یک قطعه پنبه را بعد از کشیدن روی شمایل مقدس و نیز دست میرنا، در دهان خود قرار داد و به یک نماز طولانی مشغول شد. بعد از نماز و در راه رفتن به خانه احساس کرد که دهانش از طعم روغن و بخور مقدس مملو گشته، در آن شب بدون این که چیزی بخورد یا بنوشد بعد از یک نماز، خوابید و صبح وقتی بیدار شد آثار فلج در او از بین رفته بود و بعد از گرفتن عکسهای رادیولوژی مشخص شد که آثار بیماری کاملاً از بین رفته است.

همچنین یک دختر ۲۰ ساله ساکن حلب، که نخواست نامش فاش شود در روز اول نوامبر ۱۹۸۳ به دمشق آمد. وی که به سرطان مبتلا بود شب را در اطاق شمایل مقدس تا صبح مشغول دعا شد و صبح روز بعد یک قطعه از پنبه آغشته به روغن را در دهان گذاشت و به حلب بازگشت. در آزمایشات بعدی هیچ اثری از این بیماری در او دیده نشد.

همچنین یک نو عروس به اسم صفاء ابوفارس که بعد از ازدواج نابینا شد، در تاریخ ۳ نوامبر ۱۹۸۳، در وضعیتی که پزشکان معالج وی توصیه کرده بودند برای معالجه باید به آمریکا بروند و اتفاقاً در همین زمان پدر ایشان به یک کنفرانس در آمریکا دعوت شده بود. اما این خانم که قبل از سفر توسط یک دوست مسیحی با صوفانیه آشنا شده بود به آنجا آمد و مدت ۱۳ دقیقه در اطاق شمایل مقدس به دعا گذراند و بینایی خود را به دست آورد. این واقعه در روز جمعه ۷ نوامبر ۱۹۸۳ روی داد. به گفته پدر ایشان، بعد از شفا ۲ بار و در دو روز متفاوت، در خواب روغن مقدس از دست وی تراوش کرده است. مورد آخر نصیب خانم آلیس بینیلیان ساکن حلب شد که ۵۱ سال داشت و در نتیجه یک حادثه رانندگی در سال ۱۹۷۸۰ از ناحیه کتف چپ دچار

و اما شفای دوم در داخل خانه مریم (صوفانیه) اتفاق افتاد، در مورد شفای یک خانم مسلمان به اسم رقیه قلنا اهل دمشق، در روز ۱۶ دسامبر ۱۹۸۲، و در لحظه ای که آقای دکتر جمیل مرجی در اتاق پذیرایی همین خانه به اسم علم و دانش این حوادث را به باد تمسخر گرفته بود به طوری که قلب هر مؤمنی را به درد می آورد. ایشان عقیده داشت که عیسی مسیح جادوگری را در هندوستان آموخته و بشریت را به دنبال خود گمراه می کند اما وقتی این شفا اتفاق افتاد ایشان با سرافکنندگی آنجا را ترک کرد.

شفای سوم نصیب خانم غالیه عرموش همسر آقای حنین سالومه شد که در شب ۱۷-۱۶ دسامبر روی داد. ایشان یک قطعه از پنبه آغشته به روغن مقدس را که دخترشان از صوفانیه گرفته بود در آستین دست راست خود که از چند ماه قبل متورم و فلج شده بود قرار داد و در همان شب در خواب خانم زیبایی را دید که به او بشارت می دهد که شفا یافته است. وقتی از خواب بیدار شد، هیچ اثری از درد ندید و دست وی نیز مانند سابق حرکت می کرد. وی در همان روز به صوفیانه آمد و بعد از شکرگزاری از همه ما تشکر کرد.

شفای چهارم در روز ۱۹ دسامبر ۱۹۸۲، نصیب کودکی به اسم سامر صایغ از اهالی شهر حمص که به فلج از ناحیه دو پا دچار بود شد. در همان شب دو شفای دیگر نیز اتفاق افتاد:

اولین شفا، شفای جوان ۲۴ ساله مسلمان به اسم فادی، از اهالی دهکده منین در نزدیکی دمشق بود. دوستانش او را که فلج مادرزاد بود به صوفیانه آورده و داخل اطاق تصویر مقدس گذاشتند. به گفته حاضرین ساق پاهای او مانند دو طناب نازک بود. بعد از چند دقیقه از اطاق خارج شد درحالی که بدون کمک کسی یا عصا روی پاهای خود راه می رفت. بعد از شفا یافتن وی چندین بار به دیدنش رفتیم و وقتی از او سؤال کردیم که آیا هنوز هم دعا می کنی گفت چون مسلمان است نماز خواندن به طریقه مسیحی برای او درست نیست، خانواده اش ناراحت می شوند و با صراحت گفت که از وقتی شفا یافته ام دیگر هرگز دعا نکرده ام!

که پیامهایی در غالب رساله برای او داشته اند. مدت این غیابها بین ۵ دقیقه تا یک ساعت و نیم متفاوت بود. و در این حالتها مریم عذرا و عیسی مسیح با میرنا به عربی صحبت می کردند که عیسی مسیح به لفظ کتابی ولی مریم عذرا عامیانه می کرده اند و این حالات اکثراً در بین جمع کثیری از مردم ایجاد می شد و غالباً نیز تعدادی پزشک نیز در جمع آنها حضور داشتند که اعضای بدن میرنا را مورد آزمایش قرا می دادند، آزمایشاتی از قبیل آزمایش: چشم- نبض- تنفس و ... در بعضی موارد پزشکان آزمایشات سختی را انتخاب می کردند مثلاً یک پزشک لبنانی الاصل که در میان یکی از این حالات در حضور مردم به وسیله چاقوی جراحی یکی از ناخنهای دست میرنا را از گوشت جدا کرد و میرنا هیچ عکس العملی نشان نداد. همه این موارد توسط دوربین های ویدئو فیلمبرداری می شد که کبی هایی از آن امروزه نیز موجود می باشند. این حالات اکثراً در صوفانیه روی داده است. اما در شهر های: حسکه در سوریه- معاد در لبنان- در ایالات متحده آمریکا، در بلژیک و ... نیز اتفاق افتاده است. لازم به ذکر است که در این مواقع همه مردم در سکوت کامل در نماز و دعا به سر می بردند تا وقتی که میرنا به حالت عادی برمی گشت که قبل از برگشت به حالت طبیعی با دست علامت صلیب بر روی سینه می کشید و کم کم چشمهایش را باز می کرد و به سقف خیره می شد و وقتی از چیزهایی که دیده بود سؤال می کردیم بدون تفکر و سریعاً پاسخ می داد که ما هم عیناً برای حُضار بیان می کردیم، فقط در بعضی موارد که برایش واضح نبود کمی فکر می کرد و می گفت طنین آن صدا هنوز در گوشم است و ما صحبتهای او را کلمه به کلمه ضبط و به مردم اعلام می کردیم. بعد از آن میرنا سریعاً به میان جمعیت باز می گشت و به دعا و عبادت مشغول می شد، یک مؤمن عادی در بین مؤمنین. وقتی در آن حالت از او در مورد پیامها سؤال می شد به صراحت می گفت که چیزی به یاد نمی آورد. آخرین غیاب او روز دوشنبه ۲۶ نوامبر سال ۱۹۹۰، یعنی هشتمین سال روز پیدایش صوفانیه بود.

شکستگی شد و از همان زمان دست چپ ایشان از کار افتاد. ایشان در صبح چهارشنبه ۲۶ نوامبر ۱۹۸۳ به صوفانیه آمد و در مقابل شمایل مقدس نماز گزارد و در همان لحظه حس کرد گرمای شدیدی در کتف و سینه اش ایجاد شد و کم کم قوت به دست ایشان بازگشت. مدتی بعد از شفا از کتف آسیب دیده عکس برداری کردیم و مشخص شد شکستگی همچنان مثل گذشته باقی مانده ولی دست به طور صد درصد طبیعی حرکت می کند که پزشکان در این مورد از جوابگویی بازماندند.

شفای دیگری که در بین روزهای ۱۳ و ۱۵ (مارس) سال ۱۹۸۴ اتفاق افتاد در مورد یک جوان مسلمان ۲۶ ساله به اسم عامر قسطون که به گواهی سه پزشک مبتلا به سرطان بود و بعد از زیارت صوفانیه شفا یافت. برطبق اطلاع ما کلیه کسانی که در این کتاب از آنها نام برده شده بعد از شفا تا امروز همچنان در قید حیات هستند و از سلامتی کامل برخوردارند، به استثنای خانم صفاء ابوفارس که چندسال بعد از شفایافتن به ملکوت خداوند سفر کرد. د راکثر موارد این شفاها با گواهی پزشکان وقت همراه است.

بعد پنجم

بعد پنجم در رابطه با غیابهاست. در روز جمعه ۲۸ اکتبر ۱۹۸۳ برای میرنا اتفاق جدیدی روی داد که سی و سه بار تکرار شد و روغن مقدس از صورت، گردن و دستهای او تراوش کرد. و چون این امر در حین نماز اتفاق افتاد، وی را به تخت خواب منتقل کردیم و روح او از عالم ما به کلی غایب شد به طوری که حس بینائی، شنوایی و لامسه را نیز از دست داد و در تاریخ پنجشنبه ۳۱ ماه مه ۱۹۸۴ در روز عید صعود، برای اولین بار از چشمهای او روغن شروع به تراوش کرد.

و اما در تحقیقات بعدی که از میرنا به عمل آمد فهمیدیم که ایشان در حین این غیابها مریم عذرا و نیز عیسی مسیح را به صورت نوری خیره کننده می دیده

بعد هفتم

نامه ها یا پیامها. بدیهی است که این پیامها مهمترین مدرک در صوفانیه به شمار می روند زیرا در آنهاست که مشخص می شود منظور خالق این واقعه چه بوده و به راستی از ما چه می خواهد؟!

اما چیزهایی که در این پیامها آمده با تعلیم مسیحی و تعلیمات انجیل مغایر نیست بلکه تأییدی دوباره بر قوانین مسیحیت می باشد.

همچنین دعوتی است از ما برای عمل به قوانین انجیل که این دعوت در خلال ظهور مریم عذرا و عیسی مسیح برای ما کاملاً واضح است. این پیامها را به خاطر کیفیت آنها نمی توان خلاصه کرد و ما سعی کردیم تا حد امکان آنها را به صورت کامل و بی نقص در اختیار شما عزیزان قرار دهیم تا به امید خداوند مورد استفاده شما در زندگی ایمانی تان قرار گیرد. م

همترین نکات این پیامها عبارتند از:

دعوت مردم به سوی بازگشت به خداوند، توبه، عبادت و محبت، و همچنین اشاعه اعمال خیر و مبارزه با اعمال شر، دوری از مال اندوزی و اینکه ما مصرانه در محبت کردن بکوشیم که این شامل کمک به همه محرومان بدون هیچ فرقی نیز می شود. همچنین متذکر می شود که خداوند انسان را بسیار دوست دارد و مرگ عیسی مسیح بر روی صلیب نیز ما را به محبت و صبر در انتظار بازگشت خداوند دعوت می کند؛ و این که خداوند اشخاصی را برمی گزیند که در راه وحدت کلیساها گام بردارند؛ در این پیامها آمده که کلیسا، ملکوت آسمانها بر روی زمین است و از مردم عادی برای کمک به وحدت کلیسا دعوت می نماید.

و از زیباترین گفته های مریم عذرا می توان پیام او را که با لغت عامیانه گفته شده در شب عید انتقال سال ۱۹۸۵ ذکر کرد که فرمودند، فرزندانم: «هرسال شما به خیر و خوشی باد. این عید من است، هر وقت شما را دور هم

بعد ششم

بعد ششم ظهور زخمهای صلیب بر بدن میرنا می باشد. زخمها در ظهر روز جمعه ۲۵ نوامبر ۱۹۸۳ حدود ساعت ۴/۵ که در دستها- پاها و پهلو میرنا ظاهر گشت و در ساعت ۱۱ همان شب به کلی از بین رفت ولی حدود یک ماه قبل از آن، محل زخمها رنگ سرخ درآمده بود- روز جمعه از پزشکانی با تخصصهای گوناگون دعوت کردیم تا به صوفانیه بیایند همگی آنها ظهور و محو شدن این زخمها را به صورت غیر طبیعی تأیید کردند و بعد از آن سه بار دیگر در سالهای ۱۹۸۴، ۱۹۸۷ و ۱۹۹۰ این زخمها ظاهر شدند که هر سه بار مصادف بود با پنجشنبه قبل از قیام، در هفته درد و رنج، که کلیساها آن را در عید گذر جشن می گیرند.

پیدایش این زخمها بر بدن میرنا هر بار با حالت ظهور و غیابها مصادف بود. در سال ۸۴ در روز جمعه بزرگ حدود ساعت یک و نیم بعد از ظهر اتفاق افتاد، و مورد دوم در سال ۱۹۸۷ در روز پنجشنبه مقدس و مورد سوم در سال ۱۹۹۰ در شنبه نور که در این سال با تراوش روغن از چشمهای میرنا و دریافت یک پیام از عیسی مسیح همراه بود.

در سالهای ۱۹۸۷ و ۱۹۹۰ زخمهایی در پیشانی میرنا پدیدارگشت که با خونریزی همراه بود و در مورد اول پزشکانی از سوریه و نیز دو پزشک فرانسوی یعنی دکتر جان کلود انطاکی و همسر ایشان، دکتر چنیف، حضور داشتند. در مورد سال ۱۹۹۰ یک پزشک آمریکایی به اسم آنتوان منصور جراح، و پزشک فرانسوی به نام فیلیپ لورون متخصص اعصاب از کلیه زخمها عکسبرداری کردند. در سال ۱۹۸۳ با یک دوربین عکسبرداری عادی و در سالهای ۸۴ و ۸۷ و ۹۰ با دوربین ویدئو تصویربرداری شد و نتایج این تحقیقات بعداً به فرانسوی- انگلیسی- لهستانی و روسی و ... ترجمه شد و در اکثر کشورهای جهان این فیلمها را مشاهده کردند.

۳) سرعت انتشار پیام

که شامل دو قسمت اقلیمی و جهانیست. اقلیمی، که شامل کشورهای عربی خاورمیانه ایران است و جهانی، که شامل تمام کشورهای جهان است. که فاصله بین این دو پیامی است که در آخر ذکر کردیم.

قبل از این تکلیف صریح و غیر منتظره اکثر زائرین صوفانیه به استثنای معدودی از داخل سوریه و شهرها و کشورهای مجاور بودند.

قابل ذکر است که میرنا هم بعد از دریافت پیام کار خود را آغاز کرد و به دعوت بعضی از دوستان به مصر، اردن و لبنان سفر کرد که اینها شروع سفر و بشارت وی بود. ولی در بعضی موارد که در زیر اشاره می کنیم این خبر توسط اشخاص دیگری پخش شد و به گوش مردم رسید:

۱) دیدار خواننده تلویزیون لبنان، طونی حنا از صوفانیه و نقل خبر برای دوستانش در لبنان مثل هنرمند لبنانی ودیع صافی و در آمریکا برای پزشک جراح، آنتوان منصور.

۲) دیدار کشیش فرانسوی پدر پییر بوز از دمشق در ژوئن سال ۱۹۸۴ و نقل خبر در رادیو نتردام پاریس بعد از بازگشت به آن کشور.

۳) دیدار پدر پییر فوی فرانسوی در سال ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶ به قصد تعلیم لغت عربی در دمشق و تشویق ما از طرف ایشان برای دعوت خبرنگار فرانسوی پدر جان کلود داریکو دوست ایشان در جامعه رهبانیت.

۴) زیارت پدر جان کلود داریکو از دمشق در نوامبر سال ۱۹۸۶ و تهیه یک فیلم هنری بلند به اسم «معجزه در دمشق» که از چند کانال تلویزیون فرانسه در شب عید سال ۱۹۸۶ پخش شد.

۵) زیارت کشیش اعظم فرانسوی پدر رینیه لورنتان در نوامبر ۱۹۸۷ و انتشار یک سلسله مقاله توسط ایشان بعد از بازگشت به پاریس.

جمع می بینم که مشغول نماز هستید. نماز شما عید من است، ایمان شما عید من است، اتحاد قلبهای شما عید من است.»

اما کلام خداوند ما عیسی مسیح در باره مادرش مریم عذرا به راستی یادآوری زیبایی است که به مکان ایشان در راز نجات اشاره می نمایند، در قلب فرزندش عیسی مسیح (کلام تجسم یافته خداوند)، که به ۲ مورد آن اشاره می کنیم. اولین مورد در عصر روز عید تولد مریم عذرا در سال ۱۹۸۵ می فرمایند: «من خالقم، او را خلق کردم تا خلقم کند، شادی کنید به همراه شادی دیگران در آسمانها برای اینکه دختر پدر و همچنین مادر خداوند و عروس روح القدس متولد گشته. شادی کنید ای اهل زمین زیرا نجات شما تحقق یافت.»

و دومین پیام در عصر عید انتقال سال ۱۹۸۷ می فرمایند:

«دخترم میرنا: این مادر من است که از او متولد شدم کسی که او را احترام کند مرا محترم شمرده و کسی که او را رد کند مرا رد کرده و هرکس از او طلبی کند خواسته او برآورده می شود زیرا او مادر من است.»

سپس پیامهایی که مختص به میرنا است و مریم عذرا و عیسی مسیح در آنها از اسلوب تربیتی ظریف اما صریحی استفاده کرده اند: که اولین آنها بر ادامه زندگی زناشوئی میرنا به صورت عادی که تا به حال ادامه داشته تأکید می کند و در ماه مه سال ۱۹۸۵ بوده که عذرا در آن می فرماید: «من یک هدیه برای تو دارم» و میرنا در آن زمان هنوز فرزندی نداشت که بعد از چند ماه از دریافت این پیام باردار شد و سپس دختری زائید و او را میریام یا (مریم) نام نهاد. پیام دوم در تاریخ ۲۶ نوامبر ۱۹۸۷ که عیسی مسیح می فرماید: «در زندگی همچنان یک مادر، یک خواهر و یک همسر خوب باش. برو و در تمام عالم بشارت بده و بدون هیچ ترسی بگو که ای انسانها برای وحدت و یک پارچگی بکوشید.» و این خبر نقطه آغازی بود که صوفانیه برای بشارت به همه جای عالم سفر کند.

کنفرانس در بلژیک، هلند و فرانسه تکرار شد و میرنا هم حضور داشت و جلوه های همیشگی صوفانیه، یعنی نماز و تراوش روغن از دستهای میرنا نیز تکرار گشت.

در سال ۱۹۹۳ میرنا ماه ژانویه و ژوئن را در فرانسه و کانادا سپری کرد که توسط مطران کاتولیک استاد میشل حکیم به آنجا دعوت شده بود و همچنین در تابستان همان سال رئیس جامعه کاتولیک روم استرالیا آقای جورج ریاشی به دمشق آمد و میرنا را با خود به استرالیا برد که این سفر حدود یک ماه تمام به طول انجامید. در این سفر پدر پولس فاضل نیز آنها را همراهی می کرد و در آنجا نیز جلوه های صوفانیه بار دیگر ظاهر شد.

در همه این سفرها میرنا کار خاصی انجام نمی داد و مثل یک مؤمن عادی در بین مؤمنین مشغول نماز می شد و اگر کسی از او سؤال درباره صوفانیه می کرد با صبر و بردباری توضیح می داد وی بسیار متواضع بود و اخلاق او بیشتر از معجزاتش در مردم اثر می کرد.

اما حاصل این سفرها ضبط تعداد زیادی نوارهای ویدئو در آمریکا و کانادا و فرانسه و لبنان بود که به زبانهای فرانسه- انگلیسی، لهستانی و روسی ترجمه شد و نسخه انگلیسی آن ۱۲ بار از تلویزیون کانادا پخش شد- همچنین نشر صدها کتاب به همین زبانها و نیز تأسیس جماعت های خیریه به اسم صوفانیه در فرانسه- هلند و کانادا.

اما تکلیف کلیسا در این میان چیست؟

کلیسا در این مورد کارهای زیادی را صورت داده که عبارتند از حفظ و انتشار اخبار صوفانیه و همچنین فرستادن کاهن و پدران به صوفانیه تا دائماً در کنار میرنا حضور داشته باشند که در این میان پدر الیاس زحلاوی و پدر جوزف معلولی شبانه روز به مدت ۱۷ سال است که در کنار میرنا هستند تا

۶) زیارتهای مکرر ما از فرانسه، آلمان، کانادا و ایالات متحده آمریکا از سال ۱۹۸۳ و بشارت بدون کمک گرفتن از وسائل ارتباط جمعی و همچنین تبلیغ به وسیله نوارهای ویدئو که به چند زبان زنده دنیا ترجمه شده است. بشارت میرنا در جهان مثل جرقه ای از آتش بود که در جهات مختلف حرکت کرد و برای همه غیر منتظره بود.

برای اولین بار در خارج از کشورهای عربی پزشک جراح، آنتوان منصور اقدام به دعوت از میرنا کرد که از شهر لوس آنجلس در آمریکا دیداری داشته باشد. میرنا به همراه همسرش نقولا و دخترش میریام در ۱۹ مارس ۱۹۸۸ این دعوت را پذیرفت و در ۱۶ دسامبر همان سال به دمشق برگشت و در آنجا در خلال سفر، مهمترین حوادث صوفانیه روی داد که عبارت بود از نمازهای پرجمعیت و زیاد- تراوش روغن مقدس از کپی عکس مقدس و همچنین از دستهای میرنا و یک غیاب در عصر روز عید انتقال در منزل دکتر منصور که با دریافت یک پیام از عیسی مسیح همراه بود.

سپس میرنا برای بار دوم دیدار خود را از آمریکا تجدید کرد. در سال ۱۹۸۹، این بار از ایالت کالیفرنیا و چند ایالت دیگر دیدار کرد که ۲ ماه طول کشید و این بار هم مثل قبل ازدیاد نماز- تراوش روغن مقدس و یک بار غیاب به همراه یک پیام جدید در شب ۱۸ ماه اوت سال ۱۹۸۹ را به همراه داشت.

همچنین از میرنا برای دیدار از بلژیک و هلند در سال ۱۹۹۰ دعوتی به عمل آمد که توسط کشش (براسکات)، پدر فرانچسکو، وان دیرفورت بود. که این بار همان اتفاقات آمریکا تکرار شد و یک بار غیاب در روی پله های قربانگاه در کلیسای براسکات بلژیک بعد از اقامه قربانی مقدس روی داد، در حضور جماعت.

و در سال ۱۹۹۱ در شهر مونستر آلمان یک کنفرانس درباره صوفانیه توسط استاد دانشگاه، پدر، دکتر عادل خوری برپا شد که سه روز طول کشید. این

پیامهای خداوند در خلال ظهورها و غیابها

به میرنا می رسید

۱- در اولین ظهور مریم عذراء به میرنا هیچ پیامی دریافت نشد و این به خاطر این بود که در آن وقت میرنا که درحین نماز بود با ظهور مریم عذراء به شدت ترسید تا حدی که پا به فرار گذاشت ولی با راهنمایی پدر الیاس زحلاوی از دفعه بعد بر ترس خود غلبه کرد که حاصل خوبی نیز داشت.

۲- ظهور دوم: شنبه ۱۸ دسامبر ۱۹۸۲ ساعت ۱۱:۳۷ شب

«فرزند نام خداوند را یاد کنید زیرا خداوند با ماست. شما همه چیز را می دانید، لکن هیچ نمی دانید. دانسته های شما ناقص است اما روزی خواهد رسید که در آن به همه چیز پی می برید مثل شناخت خداوند برای من. با کسانی که به شما بد می کند خوبی کنید و با هیچ کس به بدی رفتار نکنید. روغن را به شما اعطاء کردم بیشتر از آنچه می خواستید و چیزی به شما می دهم که بسیار مقوی تر از روغن مقدس باشد. از گناهان توبه کنید و ایمان بیاورید و در شادی هایتان مرا یاد کنید. بشارت بدهید برای فرزندم عمانوئیل (عیسی مسیح) کسی که بشارت ندهد به راستی که ایمانش باطل است. همدیگر را دوست داشته باشید. خیرات و مالی را که در اختیار کلیسا قرار می گیرد تا بین فقرا تقسیم شود طلب نکنید و در طلب محبت باشید و کسانی که مالشان را به فقرا و کلیسا می بخشند ولی محبت در دلشان نیست هیچ ارزشی ندارند. من خانه های بیشتری را زیارت می کنم. زیرا کسانی که به کلیسا می روند احیاناً برای نماز به آنجا نمی روند. در آخر کسانی را که از شما طلب کمک می کنند به هیچ بهانه ای رد نکنید.

کوچکترین پیام یا اتفاقی را ضبط و نگهداری کنند. و در تاریخ ۹ نوامبر سال ۱۹۸۳ تویر مقدس به همراه موکب رسمی و مردم به کلیسای صلیب مقدس در دمشق منتقل شد تا بار دیگر مورد بررسی قرار گیرد و در تاریخ ۲۱ فوریه ۱۹۸۳ با احترامی شایسته توسط ۲ کاهن ارتدکس به صوفانیه بازگردانده شد که تا امروز در آنجا موجود است. بعد از بازگشت تصویر مقدس با گذشت زمان و به سرعت، صوفانیه به یک نمازخانه یا بهتر بگوییم به یک کلیسا تبدیل شد که علی رغم کوچکی پذیرای مردم از همه نقاط دنیاست و مؤمنین از همه دیانتها به آنجا می آیند و درهای این خانه شبانه روز به روی همه نیازمندان باز است و همه روزه صدها نامه به ما می رسد که فرستندگان آنها تقاضای طلب برکت و مغفرت و بعضی نیز تقاضای دریافت یک نسخه از تصویر مقدس را دارند.

و آیا ما می توانیم شکرگزار نباشیم از خداوندی که با محبت خود ما را مورد لطف قرار داده و یک بار با فرستادن رسول خود پولس، این را ثابت کرده و این دومین بار است که محبت خود را توسط صوفانیه ابراز می دارد. به هر حال مریم عذرا در هر اسمی از جمله خانم اهل صوفانیه، خانم صیدنایا، یا عذرای زیتون باشد یکی است و محبتش شامل همه مؤمنین به او. آمین

پدر الیاس زحلاوی - دمشق ۱۹۹۷/۳/۱۷

* * *

مادر خداوند هستم) - من بسیار خوشحالم - من قدرت اینکه به شما بگویم گناهان شمارا می‌بخشم ندارم اما انشاءالله خداوندم ببخشاید. کلیسا تأسیس کنید ولی من نمی‌گویم کلیسا بسازید. کلیسایی که عیسی مسیح بنا کرد یکی بود زیرا عیسی مسیح یکی ست. کلیسا ملکوت خداوند بر روی زمین است کسی که آن را تقسیم کرد خطا کرد و کسی که از تقسیم آن خوشحال شد نیز خطا کرد. وقتی مسیح آن را بنا کرد کوچک بود ولی وقتی بزرگ شد تقسیمش کردند و آن کسی که این کار را کرد در قلبش محبت نبود.

جمع شوید. به شما می‌گویم نماز بخوانید نماز بخوانید - نماز بخوانید. زیباترین چیز در نزد من فروتنی در مقابل خداوند و طلب علم است. نترسید من با شما هستم. متفرق نشوید مثل بزرگان - به آیندگان وحدت - محبت و ایمان را بیاموزید - برای ساکنین زمین و آسمان نماز بگذارید».

پیامهای غیابها در سال «۱۹۸۳»

الف - جمعه ۲۸ اکتبر (مریم عذراء):

- ۱ - از هیچ چیز نترسید این بهترین تمجید برای اسم خداوند است.
- ۲ - نترسید من روحم را در شما پرورش می‌دهم.

ب - جمعه ۴ نوامبر (مریم عذراء):

- ۱ - پائین برو و به والدین خود بگو تو دخترم هستی قبل از آنکه دختر آنها باشی.
- ۲ - قلبم برای تنها پسر من می‌سوزد.
- ۳ - قلبم برای همه فرزندانم می‌سوزد.

پ - جمعه ۲۵ نوامبر (مریم عذراء):

- ۱ - این همه چیزی است که می‌خواستم.

۳ - ظهور سوم: شنبه ۸ دسامبر ۱۹۸۳ ساعت ۱۱:۳۷ شب

مریم عذراء در این ظهور با حالت گریه کردن بر میرنا ظاهر شد که میرنا هم تحت تأثیر قرار گرفته شروع به گریه کرد و مریم عذراء خطاب به او گفت: «اشکالی ندارد گریه نکن» و این در حالی بود که میرنا فریاد می‌زد عذراء می‌گریه و در پایان بالاخره عذراء ناپدید شد اما قبل از رفتن با یک لبخند ملیح از میرنا خداحافظی کرد.

۴ - ظهور چهارم: دوشنبه ۲۱ فوریه ۱۹۸۳ ساعت ۹:۳۰ شب

«فرزند نام این صحبت بین من و شماست من به اینجا بازگشتم. نگذارید تکبر، تواضع شما را از بین ببرد. شخص متواضع باید همواره سعی کند که اگر کمبودی در اخلاق نیکویش دارد جبران کند. اما متکبران همه چیز را به مسخره می‌گیرند و راحت از کنار آن می‌گذرند. گذشت بهترین چیزهاست. کسی که خود را جلوی مردم بی‌گناه جلوه دهد و به دیگران محبت کند اگر برای تظاهر باشد آن شخص نزد خدا نجس‌ترین اشخاص است. یک خواست از شما دارم این جمله ای را که به شما می‌گویم دائماً در قلب خود تکرار کنید: خداوند نجاتم می‌دهد - مسیح نورانیم می‌کند - روح القدس معجزه صوفانیزندگی من است و من از هیچ چیز نمی‌ترسم - این طور نیست پسر من یوسف؟ (توضیح اینکه منظور از یوسف پدر یوسف معمولی است که سالها در خدمت صوفانیه هستند و مسئولیت ضبط پیامها به عهده ایشان است) - قبول مسئولیت کنید و دیگران را نیز ببخشید و در آخر مسئولیت قبول کنید. زیرا مسئولیت شما بسیار کمتر از مسئولیتی است که پدر آسمانی شما قبول کرد».

۵ - ظهور پنجم: پنجشنبه ۲۴ مارس ۱۹۸۳ ساعت ۹:۳۰ شب

«فرزند نام مأموریت من پایان یافت - امشب ملائک به من گفتند تو در بین زنان عالم متبارک هستی و من نتوانستم چیزی به آنها بگویم جز اینکه (بله من

بالاتر از همه چیز هستی - به من نظر کن و مرا از بند همه قیدها رها کن و به من آزادی را هدیه کن زیرا بدون تو شادی من کامل نیست - بدون تو سفره من خالیست. و الان آمده ام بگویم دعوت شما را پذیرفتم.

ث- جمعه ۷ سپتامبر (مریم عذراء):

- ۱- به زندگیت ادامه بده.
- ۲- اما نگذار زندگیت مانع ادامه نمازت شود.

پیامهای غیابها در سال «۱۹۸۵»

ج- چهارشنبه ۱ می (مریم عذراء):

- ۱- فرزندانم جمع شوید.
- ۲- قلبم مجروح است.
- ۳- نگذارید قلبم تقسیم شود، به خاطر تقسیم شدن شما.
- ۴- دخترم هدیه ای به تو می‌دهم که همواره با تو باشد.

چ- یکشنبه ۴ آگوست در شهر حسکه در سوریه (مریم عذراء):

- ۱- کلیسا ملکوت آسمانها بر روی زمین است کسی که آن را تقسیم کرد اشتباه کرد و کسی که از این تقسیم خوشحال شد نیز اشتباه کرد.
- ۲- من خوشحالم، و تو نباید از هیچ چیز بترسی زیرا من با تو هستم.
- ۳- من روحم را به شما اعطاء می‌کنم.

ح- چهارشنبه ۱۴ آگوست (مریم عذراء):

- ۱- هر سال شما به خیر و خوشی باد.
- ۲- این عید من است وقتی که می‌بینم همه شما دور هم جمع شدید.

- ۲- من نیامده ام که شما را جدا سازم.
- ۳- زندگی زناشویی تو همچنان مثل سابق باید ادامه داشته باشد.
- ۴- دوست داری نزد من بیایی...؟ بیا... همین قدر که می‌خواهی مرا دوست داشته باشی کافیست.

پیامهای غیابها در سال «۱۹۸۴»

ت- پنجشنبه صعود ۳۱ می (عیسی مسیح):

- ۱- دخترم، من آغاز و پایان هستم.
- ۲- من حق - آزادی و سلام هستم.
- ۳- سلام من بر شما باد.
- ۴- سلامت را از هیچ کس دریغ نکن خواه خیر باشد یا شر.
- ۵- کسی که رضای مردم مورد نظرش نباشد و مردم از او راضی نباشند از سلام حقیقی برخوردار نخواهد بود زیرا من خاطر مردم عذاب صلیب را تحمل کردم.
- ۶- زندگیت را با شادی و آرامش دنبال کن.
- ۷- امیدوارم سختی‌هایی که به خاطر من تحمل می‌کنی تو را خسته نسازد.
- ۸- خوشحال باش من بر همه چیز قادرم خستگی‌هایت طولی نمی‌کشد و دردهایت دوامی ندارد.
- ۹- نماز را با خلوص نیت و ته قلبت بخوان زیرا حیات ابدی مستحق این سختی‌هاست.

- ۱۰- دعا کن مشیت خداوند در تو قرار گیرد و بگو ای مسیح عزیز دوست دارم در تو آرامش داشته باشم، بالاتر از همه چیز - بالای همه خلایق - بالاتر از همه ملائک - بالاتر از همه خوشحالی‌ها - بالاتر از هر مجد و کرم - بالاتر از همه لشکرهای آسمان - و تنها تو بالاتر از همه هستی - تنها تو قادر و صالح

- ۹- و از شما می‌خواهم صلیبتان را بردارید و سختی‌های آن را به خاطر من تحمل کنید با قوه صبر و محبت و ایمان و منتظر قدم من باشید.
- ۱۰- هرکس در سختی‌های من شریک باشد من در ملکوت آسمان او را شریک می‌کنم و نجات برای شما ممکن نیست جز از راه صلیب.
- ۱۱- دخترم نترس از زخمه‌هایم به تو هدیه می‌دهم. چشمه‌ای را در وجود تو می‌گذارم که هر تشنه‌ای را سیراب کند.
- ۱۲- اگر غیبت طولانی شد و نور من را ندیدی نگران نشو زیرا این برای تمجید من است.
- ۱۳- برو در همه زمین که فساد همه آن را دربرگرفته و بشارت بده و سلام خداوند همواره با تو باد.

پیامهای غیابها در سال « ۱۹۸۶ »

- ذ- چهارشنبه ۲۶ نوامبر چهارمین سالگرد صوفانیه (عیسی مسیح):
- ۱- دخترم این مکان زیباترین مکان است که در آن ملکم و سلام را پایه‌گذاری می‌کنم، قلبم را به شما هدیه می‌کنم تا مالک قلب شما باشم.
- ۲- گناهان شمارا می‌بخشم زیرا به من نظر می‌کنید و هرکس به من نظر کند عکس را در قلب او ترسیم می‌کنم.
- ۳- وای بر حال کسی که اسم من را به همراه دارد ولی خون مرا می‌فروشد.
- ۴- به خاطر گناهانتان طلب بخشش کنید و نماز گذارید زیرا هر کلمه نماز شما مانند یک قطره از خون من برای آمرزش گناهان است.
- ۵- دخترم از چیزهایی که در زمین است اضطراب نداشته باش که با کمک زخمهای من ابدیت را بدست می‌آوری.
- ۶- دوست دارم دردهایم تجدید شوند.
- ۷- و از تو می‌خواهم مأموریت خود را انجام دهی و به آسمان ملکوت داخل

- ۳- نماز شما عید من است.
- ۴- ایمان شما عید من است.
- ۵- اتحاد قلبهای شما عید من است.

خ- شنبه ۷ سپتامبر (عیسی مسیح):

- ۱- من خالقم.
- ۲- او را خلق کردم تا خلق کند (منظور مریم عذراء است).
- ۳- همراه با همه آسمانها شادی کنید زیرا دختر خداوند پدر، و مادر خداوند، و عروس روح القدس متولد گشته است.
- ۴- در همه زمین شادی کنید زیرا نجات شما تحقق یافت.

د- سه شنبه ۲۶ نوامبر شب سومین سالگرد صوفانیه (عیسی مسیح):

- ۱- مسیح می‌فرماید: دخترم می‌خواهی مصلوب باشی یا قابل تمجید؟
- ۲- میرنا جواب داد: قابل تمجید (تمجید برای پدر، پسر و روح القدس).
- ۳- مسیح با لبخند می‌گوید: می‌خواهی قابل تمجید باشی از طرف خلق یا خالق؟
- ۴- میرنا: از طرف خالق.
- ۵- مسیح: این در دست توست زیرا هرچه با مردم بیشتر باشی از خالق دورتر می‌شود و خداوند کمتر به تو نظر می‌کند.
- ۶- دخترم از تو می‌خواهم در دعا و نماز کوشا باشی و نفست را کوچک شمری.
- ۷- کسی که به هوای نفس توجه نکند نیروی ایمانش زیاد می‌شود و نزد پدر بلند مرتبه می‌گردد.
- ۸- من به خاطر عشق به شما صلیب را قبول کردم.

۴- و هرکس از او چیزی بخواهد به آن خواهد رسید زیرا او مادر من است.

ش- دوشنبه ۷ سپتامبر (عیسی مسیح):

- ۱- میرنا آیا تو آن کسی که من انتخاب کردم نیستی: همان دختر آرام- ختری که قلبش سرشار از عشق و عاطفه است؟
- ۲- برای من آشکار شد که تحمل سختیهای زیاد را به خاطر من نداری.
- ۳- فرصتی برای انتخاب در اختیار تو می‌گذارم. و بدان اگر در این انتخاب اشتباهه کنی همه دعاهایت از بین می‌روند و همین صلیبی که اسم آن را حمل می‌کنی.

ص- پنجشنبه ۲۶ نوامبر پنجمین سالگرد صوفانیه (عیسی مسیح):

دخترم:

- ۱- از انتخاب تو قدردانی می‌کنم ولی نه فقط با حرف.
- ۲- می‌خواهم قلبم را با قلب مهربان تو متحد کنم و اتحاد قلبهای ما باعث نجات بسیاری از گناهکاران می‌شود.
- ۳- رگز از کسی متنفر نشو همه را دوست داشته باش. مخصوصاً کسانی که به تو بد می‌کنند و از تو بدگویی می‌کنند. از طریق آن اشخاص و محبت به آنها به ملکوت دست خواهی یافت.
- ۴- به زندگی زناشویی خود ادامه بده و یک مادر خوب و یک خواهر خوب باش.
- ۵- سختی‌های این راه که به سمت تو می‌آید تورا خسته نمی‌سازند و من از تو می‌خواهم در مقابل آنها قوی باشی و من با تو هستم و اگر نه قلب من را از دست می‌دهد.
- ۶- برو و در تمام زمین بشارت بده و بدون ترس بگو که برای اتحاد کلیساها بکوشید.

- نخواهی شد جز با انجام این مأموریت در روی زمین.
- ۸- سلام خداوند با تو باد به سلامت برو.
 - ۹- و به فرزندانم بگو در هر لحظه به یاد من باشند نه فقط در روز عید مادرم.
 - ۱۰- و من در همه وقت با آنها هستم.

پیامهای غیابها در سال «۱۹۸۷»

ر- شنبه ۱۸ آوریل (عیسی مسیح):

- ۱- نشانه ای به شما می‌دهم برای تمجید نامم.
- ۲- به راه خداوند ادامه دهید و من با شما هستم.
- ۳- و اگر نه ...؟

ز- پنجشنبه صعود ۲۸ می (عیسی مسیح):

- ۱- یکدیگر را دوست بدارید و با ایمان دعا کنید.

ژ- چهارشنبه ۲۲ ژوئن در شهر معاد در لبنان (عیسی مسیح):

- ۱- نترس دخترم از قدرت خودم به تو کمک می‌کنم.
- ۲- دعا کنید، دعا کنید، دعا کنید.
- ۳- و اگر دعا کردید این طور بگوئید: ای پدر آسمانی به حق زخمهای پسر عزیزت، نجات را به ما هدیه کن.

س- جمعه ۱۴ آگوست (عیسی مسیح):

- ۱- دخترم این مادر من است که از او متولد گشتم.
- ۲- کسی که او را احترام گذارد مرا احترام گذارده است.
- ۳- و کسی که او را منکر شود مرا منکر گشته است.

- زیادی در راه تو نموانده است.
- ۲- به فرزندانم بگو به خاطر اتحاد بکوشید و نه مثل بعضی فقط تظاهر کنید.
- ۳- برو و بشارت بده.
- ۴- و هر جا که باشی من با تو هستم.

ظ- دوشنبه ۱۰ اکتبر در کلیسای مارگریس در شهر معاد در لبنان

(عیسی مسیح):

دخترم ماری (میرنا)

- ۱- برای چه می ترسی من با تو هستم.
- ۲- بر تو است که پیام خود را با صدای بلند اعلام کنی. کلام حقی که تو را خلق کرد تا قدرت خود را در تو به نمایش در آورد.
- ۳- و من از زخمهای خودم به تو می دهم تا دردهایی که از دیگران به تو می رسد را تحمل کنی.
- ۴- تو راه خود را انتخاب نکردی بلکه من آن را برای تو انتخاب کردم.

ع- شنبه نور ۲۶ نوامبر ششمین سالگرد صوفانیه (عیسی مسیح):

فرزندانم

- ۱- آیا هر کاری که می کنید به عشق من انجام می دهید؟
- ۲- نگوئید چه بکنیم زیرا این به من مربوط است.
- ۳- بر شماست که روزه بگیرید و نماز بخوانید زیرا با نماز با حقیقت من آشنا می شوید و در مقابل مشکلات پایدار می شوید.
- ۴- دعا کنید برای کسانی که قولهای خود را با خداوند فراموش کردند و می گویند چطور وجودت را احساس نمی کنیم درحالی که تو با ما بودی.
- ۵- همه چیز می خواهم این است که در من جمع شوید همانطور

- ۷- و منع نکنید انسانی را که از دستش کاری بر نمی آید بلکه از قلبش زیرا این مهمترین چیز است.
- ۸- سلام من در قلب تو باد این برکت است برای تو و برای تمام کسانی که به تو کمک می کنند.

پیامهای غیابها در سال «۱۹۸۸»

ض- چهارشنبه ۱۴ آگوست لوس آنجلس آمریکا (عیسی مسیح):

فرزندانم

- ۱- سلام من بر شما باد لکن شما به من چه داده اید؟
- ۲- شما کلیسای من هستید و قلب شما ملک من است مگر اینکه در قلب شما خدای دیگری ساکن باشد!
- ۳- زیرا قبلاً گفتم کلیسا ملکوت آسمانها بر روی زمین است. هر کس آن را تقسیم کرد خطا کرد و هر کس از تقسیم آن نیز خوشحال شد نیز خطا کرد.
- ۴- وای بر حال کسانی که به اسم من به یک کافر مدیون می شوند و همچنین کسانی که با ایمان و محبت به اسم من قسم دروغ یاد می کنند.
- ۵- شما باید فقط به خدا افتخار کنید.
- ۶- به خاطر اشتباه و گناه کسانی که من و مادرم را منکر می شوند دعا کنید و طلب بخشش کنید برای آنها در اسم من.
- ۷- فرزندانم من همه وقتم را به شما اختصاص دادم شما هم قسمتی از وقت خود را صرف من کنید.

ط- چهارشنبه ۷ سپتامبر (عیسی مسیح):

دخترم

- ۱- به تو گفتم در مقابل سختی ها پایدار باش و بدان دیگر سختی های

پیامهای غیابها در سال « ۱۹۹۰ »

ق- شنبه نور ۲۴ آوریل (عیسی مسیح):

فرزندانم،

شما به آیندگان کلمه وحدت، محبت و ایمان را پیاموید و من با شما هستم.

لکن دخترم صدای مرا نمی‌شنوی مگر در یک عید.

ک- چهارشنبه ۱۵ اوت دهکده براسکات بلژیک (مریم عذراء):

فرزندانم، به خاطر صلح دعا کنید، خصوصاً در شرق زیرا همه شما در مسیح برادر هستید.

گ- دوشنبه ۱۶ نوامبر هشتمین سالگرد صوفانیه (مریم عذراء):

نترس دخترم اگر به تو بگویم این آخرین دیدار من با تو است تا در عید اتحاد دوباره یکدیگر را ملاقات کنیم. پس به فرزندانم بگو آیا می‌خواهند زخمهای بدن پسر عیسی را در تو ببینند و به یاد آورند یا نه؟ و بر اوست که دوباره عذاب ببندد، و من نمی‌خواهم پسر عزیزم بار دیگر عذاب ببیند!

سلام بر تو باد، سلام بر تو باد، ای دخترم،

بیا تا سلام را به تو هدیه کنم تا در میان بشریت آن را تقسیم کنی. اما ظهور آن روغن مقدس بر دستهای تو باقی می‌ماند و هر وقت تو بخواهی این طور می‌شود تا با دیدن آن در هر وقت و هر کجا اسم فرزندم مسیح را تمجید کنند. ما با تو هستیم و با هر کسی که می‌خواهد با ما باشد.

* * *
* *
*

که من در قلب یک شماهستم.

۶- اما تو دخترم، تو را ترک می‌کنم.

۷- نترس اگر دیگر صدای مرا نشنیدی، بلکه قوی باش و زیانت مانند

شمشیری تیز به اسم من گویا باشد.

۸- مطمئن باش که من با تو و با همه شما هستم.

پیامهای غیابها در سال « ۱۹۸۹ »

غ- جمعه ۱۸ اگوست در لوس آنجلس (مریم عذراء):

۱- نترس دخترم، همه این‌ها برای تمجید اسم خداوند است.

۲- بلکه خوشحال باش زیرا خداوند به تو اجازه داد که به دیدار من بیایی و

به تو می‌گویم: صحبت‌های مردم برایت مهم نباشند و دائماً در سلام خداوند باشی زیرا مخلوق دائماً باید به فکر خالق باشد.

۳- به همه بگو در نماز کوشا باشید زیرا برای رضای پدر آسمانی شما نماز واجب است.

۴- برکت خداوند با تو و با همه کسانی که تو را یاری می‌کنند باشد.

ف- یکشنبه ۲۶ نوامبر هفتمین سالگرد صوفانیه (مریم عذراء):

فرزندانم

۱- مسیح به پطرس گفت تو مانند صخره‌ای هستی که من کلیسای خود را بر تو بنا می‌کنم.

۲- و من می‌گویم: شما آن قلبی هستید که مسیح در آن اتحاد را بنا می‌کند.

۳- می‌خواهم نمازتان را برای سلام و صلح اختصاص دهید از الآن تا روز قیامت.